مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای ، شماره ۲۱ ، پاییز ۱۳۹۹جلد۲، ص ۳۴-۲۰
http://www.jase.ir

حضور نقش اعداد روی سفال‌های پیش از تاریخ ایران و بازتاب آن در ادبیات شفاهی و مکتوب

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای (سال ششم)
شماره ۲۱ / پاییز ۱۳۹۹ / ص ۳۴-۲۰

چنورسیدی[۱]
[۱]دانشجوی کارشناسی ارشد باستان شناسی دانشگاه تربیت مدرس

نویسنده مسئول:
چنورسیدی

چکیده

یکی از مهمترین نقوش حک شده بر روی سفال‌هایِ کشف شدهٔ ماقبل تاریخ ایران، اعداد بوده که مورد توجه انسان‌های آن دروه قرار گرفته است. به گمان می‌رود کاربستِ نقوش اعداد بر روی سفال‌های ماقبل تاریخ، از همان ابتدا در باور و اعتقادات مردمان آن دوره از جایگاه خاصی برخوردار بوده است. اعداد می‌تواند نشانه‌ایی برای کمیت و شمارش چیزی باشد و حتی می‌تواند یک معنا و مفهوم خاصی داشته باشد. با گذشت زمان و پیشرفت جوامع اجتماعی و انسانی و با اختراع خط، باز اعداد در میان فرهنگ و تمدن عامه مردم از جایگاه خاصی برخوردار شد به گونه‌ایی که حتی در ضرب المثل، اصطلاحات عامیانه، در گفتهٔ سخنوران و اغلب اشعار شاعران، به کار رفته است. بر روی سفال‌هایِ پیش از تاریخ ایران نقوشی بحک شده که بر اساس تقسیمات شمارشی به تصویر در آمدند. حال پرسش آن است: اعداد بر روی سفال‌های پیش از تاریخ ایران قابل رؤیت و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؟ بازتاب اعداد با پیشرفت جوامع اجتماعی و انسانی در ادبیات شفاهی و مکتوب چگونه است؟ پژوهش حاضر، با بررسی و مطالعات کتابخانه‌ایی بینارشته‌ایی (باستان شناسی و ادبیات) به صورت توصیفی – تحلیلی انجام شده است. برای پاسخ به پرسش‌های مذکور با بررسی نقوش اعداد حک شده بر روی سفال‌های ماقبل تاریخ ایران و حضور اعداد در ادبیات شفاهی و مکتوب، نگارنده به این نتیجه می‌رسد که سنت، اعتقادات و باورهای انسان‌های پیش از تاریخ تا به امروزه ادامه داشته به گونه‌ایی که حتی در ادبیات شفاهی و مکتوب رسوخ کرده است.

واژه های کلیدی: پیش از تاریخ ایران، سفال، نقش اعداد، ادبیات شفاهی، ادبیات مکتوب

مقدمه و بیان مسئله پژوهش

آثار باستانیِ زیادی وجود دارد که از زمان ماقبل تاریخ برای بشر برجای مانده‌اند که کیفیت و چگونگی، شرایط زندگی و اعتقادات و باورهایشان با انواع نقش‌ها بر روی آن‌ها به تصویر کشیده شده است. یکی از مهمترین این آثار باستانی سفال‌های منقوش هستند که نقوش حک شده بر روی سطح آن‌ها، ساختار و نظام اجتماعی، باور و ایدئولوژی آن جوامع را برای جوامع امروزی به نمایش می‌گذارد؛ در واقع جوامع ما قبل تاریخ ایران ، با به تصویر کشیدن نقوش، در پی این بودند که اطلاعات، تمدن و باورهای خود را برای نسل‌های جدید و آینده‌گان به ثبت برسانند و یکی از این نقوشی که گروه‌های انسانی حک کردند اعداد بود؛ یعنی در میان این تصاویر و نقوش، نقشِ اعداد برتری خاصی داشته است و به کرات دیده می‌شوند؛ البته باید این را از مطمح نظر دور نداشت تا هزارهٔ چهام ق.م خط اختراع نشده بود و اعداد را به صورت تصویر به نمایش در می‌آوردند، این تصاویرِ اعداد، حاکی از اهمیت آن‌ها در میان نخستین جوامع بشری بوده است و جزء فرهنگ و تمدن آن‌ها بوده است؛ به نظر می‌رسد از همان ابتدا این تصاویر اعدادی، مضامین و ایدئولوژی مستتری پس آن‌ها وجود داشته است و فقط جنبه زیبایی نداشته است. با گذر زمانِ تاریخ، باورها و اعتقاداتِ جوامع ماقبل تاریخ ایران به صوررت شفاهی و ضرب المثل‌ها نسل به نسل انتقال داده شد و با اختراع خط و نوشتن متون ادبی، اعداد در ادبیات مکتوب رسوخ پیدا کرد. در اغلب اصطلاحات عامیانه و اشعار اغلب شاعران، از اعداد سخن گفته شده است. باید اذعان داشت که هر سرزمینی فرهنگ و اعتقادات خاص خود را دارند و از هر قوم و ملتی به قوم و ملت دیگر متفاوت است که با کاوش می‌توان به آن‌ها پی برد و این فرهنگ و اعتقادات همواره در گذر زمان در میان جوامع بشری آن سرزمین نسل به نسل منتقل شده است و همان اعتقادات و فرهنگ‌ها از گذشته تا معاصر جزو هویت و ملیت آن سرزمین شده است. حال پرسش آن است: اعداد بر روی سفال‌های پیش از تاریخ ایران، قابل رؤیت و از جایگاه ویژه ای برخوردار است؟ بازتاب اعداد با پیشرفت جوامع اجتماعی و انسانی در ادبیات شفاهی و ادبیات چگونه است؟ این جستار سعی بر آن دارد که با استفاده از مباحث میان رشته‌ایی (باستان شناسی و ادبیات) به پرسش‌های فوق پاسخ دهد. اهمیت این موضوع بر آن است با توجه به مباحث مذکور، تصاویر از جمله نقش اعدادی که برروی سفال‌های ماقبل تاریخ ایران توسط گروه‌های انسانی آن دوره به تصویر در آمده حاوی لایهٔ مستتری است که این حاکی از سنت و باورها و اعتقادات آن‌هاست و با گذر زمان و اختراع خط این نقوش در ادبیات شفاهی و مکتوب رسوخ پیدا کرد.

اگرچه دربارهٔ بحث ما، حضور اعداد در سفال‌های پیش از تاریخ ایران و بازتاب آن در ادبیات شفاهی و مکتوب تا کنون پژوهشی از این منظر پدیدار نشده است؛ اما برخی پژوهش‌ها با گزینش یک اثرِ هنری (ادبیات و آثار باستانی) به نقش اعداد پرداختند. به عنوان نمونه کتاب «هفت در قلمرو تمدن و فرهنگ بشری» نوشتهٔ زهرا والی، چاپ اول، انتشارات اساطیر، در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسیده، نگارنده، در این کتاب به جایگاه و اهمیت عدد ۷ در فرهنگ و تمدن‌ها پرداخته است. مقالهٔ «جایگاه عدد سه در فرهنگ و آیین‌های باستانی ایرانیان» نوشتهٔ خیر اله محمودی، در مجله علوم اجتماعی و انسانی در سال ۱۳۸۳، با شماره اول به چاپ رسیده، در این پژوهش، نگارنده دربارهٔ ارزش عدد سه در فرهنگ و آیین مردم ایران پرداخته است. مقالهٔ «اعداد در ادبیات شفاهی مردم دستجرده کهک قم» نوشتهٔ مصطفی جعفرزاده، در مجله فرهنگ، در سال ۱۳۸۶، با شماره ۴ به چاپ رسیده، نگارنده، در این پژوهش به اصطلاحات و ضرب المثل‌های که اعداد در آن‌ها به کار رفته و در میان مردم کهک قم رایج بوده پرداخته است. مقالهٔ «تجلی عدد چهار در نقوش سفالینه‌های پیش از تاریخ در ایران» نوشتهٔ مهرنوش شفیعی سراوردی و مهسا حسن نسب در مجله نگره در سال ۱۳۹۷ با شماره ۴۵ به چاپ رسیده، نگارنده‌گان در این پژوهش به معنا و مفاهیم عدد چهار بر روی سفال‌های پیش از تاریخ ایران پرداختند. چنان که مشهود است این موضوع به صورت مطالعه‌های موردی مطرح شده است که یک عدد یا اعداد را در آثار باستانی یا در ادبیات شفاهی بررسی نمودند اما چنان که اشاره شد در موضوع مذکور پژوهشی انجام نشده و به چاپ نرسیده است. تفاوت و نوآوری این جستار با دیگر پژوهش‌هایِ انجام شده در این است که نگارنده، این پژوهش را به صورت میان رشته‌ایی نقش اعداد بر روی سفال‌هایِ پیش از تاریخ ایران و بازتاب آن اعداد در ادبیات شفاهی و مکتوب را بررسی و انجام داده است. روش مورد استفاده در این جستار، با استفاده از جمع آوری منابع کتابخانه‌ایی به صورت توصیفی – تحلیلی شکل گرفته است؛ به این ترتیب که بعد از تشریح سفال پیش از تاریخ، ادبیات شفاهی و ادبیات مکتوب به تحلیل داده‌ها در گذر زمان پرداخته است.

۲. مبانی نظری پژوهش

سفال پیش از تاریخ ایران

در نتیجهٔ کاوش‌های باستان شناسان و کشف آثار باستانیِ متعلق به جوامع بشریِ پیش از تاریخ ایران، باستان شناسان به شرایط زندگی انسان‌های پیش از تاریخ پی بردند و برای آینده‌گان شیوه زندگی آن جوامع انسانی را بازگو کردند. می‌توان اذعان کرد که انسان‌های پیش از تاریخ که

استقرار موقت و دائمی داشتند آثار هنری از خود برجای گذاشتند و دارای تمدنِ کهنه بودند، از جملهٔ این آثار هنری، سفال بوده است؛ سفال و ظروف سفالی نخستین دست ساخته‌های جوامع بشری در فلات ایران به شمار می روند. قبل از پیدایش و ساخت سفال، انسان‌های پیش از تاریخ از سنگ برای کارهای روزانه خود استفاده می‌کردند، در سال‌های ۸۵۰۰- ۷۵۰۰ق.م در برخی از مناطق فلات ایران، از جمله زاگرس مرکزی جوامع نوسنگی با ماده اولیه‌ایی به نام خاک رس آشنا شدن و به شناخت چگونگی ساخت ظروف از ماده رس پی بردند. (طلایی، ۱۳۹۳: ۵). «درطی استفاده گستردهٔ سفال توسط گروهای انسانی و جوامع اولیه در فلات ایران سبب شناخت آن و گسترش کاربردهای دیگری از آن شد، پس از چند سده بعد از ظهور سفال نخستین نشانه‌های تصویر پردازی روی سطوح سفال پدیدار شد و همزمان با ظهور این پدیده کیفیت سفال بهتر شده و به درجه‌ایی از پیشرفت رسیده بود. پیدایش نقوش بر روی سفال به عنوان یک پدیدهٔ جدید در سیر هنری دوران پیش از تاریخ ایران تلقی می‌شود. چرا که سطوح سفال در دسترس‌ترین و فراوان‌ترین سطوح صاف را جهت نقش اندازی برای مردمان پیش از تاریخ ایران فراهم می‌کرده است». (همان: ۲۷). نقوشِ به تصویر در آمده فقط یک نقاشی نبودند؛ بلکه سرشار از مفهوم و مضمون هنری است که در نهایت سادگی، این نقوش پر از شگفتی و معنا هستند. برای شناخت آداب و رسوم، اعتقادات و باورها، چگونگی و شرایط زندگی و معیشت جوامع پیش از تاریخی ما مستلزم شناخت آثار هنری برجای مانده از آن جوامع هستیم که توسط گروه‌های باستان شناسی طی سال‌های متمادی کشف شدند. این باستان شناسان بودند با کشف آن آثار هنری اطلاعاتی در اختیار آینده‌گان گذاشتند؛ البته باید گفت این آثار هنری تا قبل از اختراع خط و نوشتن متون، منابع اطلاعاتی به شمار می‌آیند.

ادبیات شفاهی

ادبیات شفاهی یکی از مهمترین بخش‌های فولکور است؛. فولکور در ادبیات و زبان فارسی به مثابهٔ فرهنگ عامیانه و فرهنگ مردم است و این اصطلاح برای نخستین بار توسط ویلیام جان تامز نویسندهٔ انگلیسی در سال۱۸۴۹ مطرح و باب شد، وی این اصطلاح را در نشریه‌ایی که تازه تأسیس نموده بود و در پرسش و یاداشت‌های خود در نشریه، در حیطهٔ عادات ، آداب و مشاهدات، خرافات و ترانه‌هایی که از روزگاران قدیم و گذشته‌گان برجای مانده است به کار برد. (قنواتی، ۱۳۸۴: ۱۰۲). هر قومی و سرزمینی ادبیات شفاهی خاص خود را دارند «مجموعه دانستی‌ها، آداب و رسوم، معتقدات، خرافات، احساسات، عواطف و آن چه زندگی مادی و معنوی و خصایص ذوقی و روحی تودهٔ مردمی را در برمی‌گیرد» (انجوی شیرازی، ۱۳۷۱: ۹) به آن ادبیات عامیانه یا شفاهی اطلاق می‌شود. ادبیات شفاهی، جوامع بشری و ایدئولوژی آن‌ها را مورد تفحص قرار می دهد و به کند و کاوش دربارهٔ آن‌ها می‌پردازد؛ در واقع هدف ادبیات شفاهی از این کند و کاوش این است، پی ببرد که جوامعِ هر سرزمینی چه می‌گویند؟ چه می‌خواهند؟ و ایدئولوژی و باور و افکار آن‌ها به کدام کهن الگو تعلق دارد. (همان: ۱۴). ادبیات شفاهی ساخته و پرداخته بینش‌ها و افکار یک ملت است و همین وجه ممیز، یک ملت و سرزمین را از دیگر ملل و سرزمین‌ها متمایز می‌کند، آنان بر پایهٔ ذوق سلیقه، قدرت بیان و بینش‌های خود، رخدادهای زندگی گذشته‌گانِ ادوار قدیم را درقالب داستان، اشعار، ضرب المثل، در جملات کوتاه و راویات مختصر بازگو می‌کنند و بر اساس این تجارب راه را برای نسل‌های بعد هموار می‌سازند. (سلامی، ۱۳۸۱: ۲۷).

ادبیات مکتوب

بعد از اختراع خط و نوشتار، جوامعی که دارای ادبیات و بیان شفاهی بودند جای خود را به جوامعی که دارای بیان نوشتاری و مکتوب است؛ دادند. این روندِ تغییر و تحولاتِ ادبیات و بیانِ جوامع، یک مسیر چندهزارساله و طولانی را طی کرد؛ در واقع این دگرگونی در جوامع بشری یک نماد و نشانه‌ایی واضح از گذر ادبیات شفاهی به ادبیات مکتوب است. ناقلان و سخنورانِ فرهنگ و ادبیات عامیانه و شفاهی جای خود را به شاعران و نویسندگان و آفرینندگان ادبی دادند. در ادوار گذشته جوامع و مردمانی که دور هم در کنار آتش نشسته بودند و داستان‌های ناقلان را گوش می‌دادند جای خود را به خواننده‌گان در کتابخانه‌ها یا گوشه اتاق خانه‌ها دادند برای جوامع ادوار قبل و نیاکانمان که دارای ادبیات شفاهی بودند برای شخصی که رخدادها و اتفاقات زندگی را برای مردمان بیان می‌کرد و برای شنونده‌گانی که پای حرف‌های راوی نشسته بودند روایت و رخدادها اهمیت داشت (علوی و علی اکبری، ۱۳۹۰: ۱۵)؛ اما در ادبیات نوشتاری و مکتوب موضوع دیگری حائز اهمیت است که توجه و نظر نویسنده و خواننده را به خود جلب می‌کند و آن جنبهٔ زیبا شناسیِ مستتردر متن و ادبیات مکتوب است. هدف نویسنده و خالق آن اثر مکتوب که در متن نوشتاری پنهان است و دریافتی که از آن می‌شود این دو عالم را از هم متمایز می کند. (Brichard,2001:12). «در چنین نگرشی بایسته است که در هنگام پیدایش متن نوشتاری آفرینشگر آن آشکار شود. باورها به تدریج وارد زمانبندی تاریخ می‌شوند و این باورها بدون اینکه

مورد پرسش واقع شود مبنای شعر قرار می‌گیرند ادبیات مکتوب با سابقه هزار ساله‌اش میراثی است که نه تنها پشتوانهٔ عظیم فرهنگی بلکه رودخانهٔ بزرگی است که می‌توان از شاخه‌آبهای آن به تناسب برای پرورش و رویش نهال‌های گوناگون بهره برد» (علوی و علی اکبری: ۱۵).

۳. تحلیل داده ها

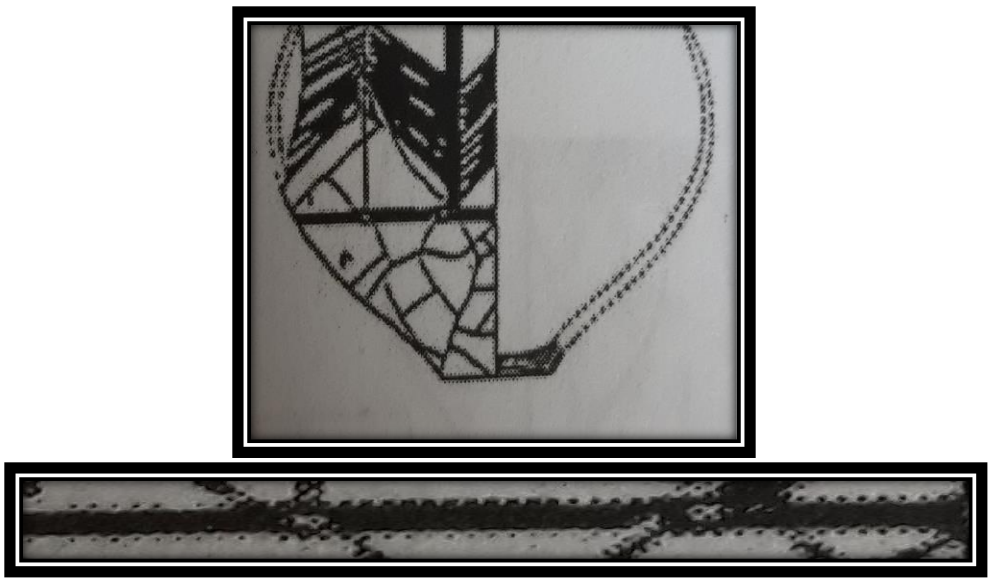
حضور نقش اعداد بر روی سفال‌های پیش از تاریخ ایران و بازتاب آن در ادبیات شفاهی و مکتوب

اگرچه همچنان زمان پیدایش اعداد و شمارش، مبهم و چالش برانگیز است؛ اما با توجه به مستندات به دست آمده می توان گفت که شروع اعداد از چه زمانی بوده است. نخستین انسان‌های پیش از تاریخ از زبان گفتاری به شیوهٔ خودشان استفاده می‌کردند و بعد برای انتقال ذهنیات آن‌ها، زبان نوشتاری بوجود آمده است؛ منابعی موجود است که شیوه به وجود آمدن اعداد و شمارش در دوران پیش از تاریخ را نشان می‌دهند. به گمان می رود شمردن و متمایز کردن اعداد از زمانی به عرصه ظهور می‌رسد که انسان‌های پیش از تاریخ، زمانی نقش‌هایی که نماد عدد یک بودن را از تصاویری که نشانهٔ عدد دو و یا بیشتر است را متمایز کردند و این یک موضوع نوظهورو جدیدی به شمار نمی‌آید. (Crawley,1897: 524). مستنداتی وجود دارد آشنایی جوامع بشریِ پیش از تاریخ با شمارش و اعداد برای اولین بار به نظر می‌رسد همزمان است با زمانی که می‌خواستند با دیگر جوامع بشری و هم‌نوعان خود ارتباط برقرار کنند. یکی از مستندات این است که در برخی از زبان‌های اروپایی اشتراکات و شباهت‌های گفتاری بین واژه‌های که معنی «گفتن» و واژه‌های که معنی «شمردن» دارد، موجود است. (لوی، ۱۳۷۳: ۶). باید گفت انسان‌های پیش از تاریخ، در به کار بردن اعداد در کارهای روزانه خود سه مرحله را طی کردند. اولین مرحله : جوامع بشری برای شمارش اعداد از انگشتان استفاده نمی‌کردند، در این مرحله جوامع به آن درجه از پیشرفت نرسیده بودند و هیچ مفهومی که حاکی از تمایز بین عدد یک از اعداد بزرگترباشد، وجود نداشته است؛ بلکه به هر چیزی که بیشتر از سه بود به آن‌ها خیلی اطلاق می‌شده است. دومین مرحله: از این مرحله استفاده از انگشت‌های دست و پا شروع می‌شود و می توانند اعداد را تا ۲۰ و حتی بیشتر با استفاده از شخص سوم و بیشتر بشمارند در این مرحله برای اعداد واژه‌هایی وضع نشده بود از تصویر و نقش‌هایی استفاده می‌نمودند که نشان اعداد است. در سومین مرحله، جوامع بشری به درجه پیشرفت رسیدند و کلمات نوشتاری اعدادی جایگزینی برای تصاویر و نقش‌های اعداد شمارشی می‌شوند. (Crawley: 526).

عدد یک

حضور در سفال پیش از تاریخ

نخستین جوامع بشریِ پیش از تاریخ، بعد از زبان گفتاری، از زبان توسعه یافته‌تری (زبان نوشتاری) به صورت حک نقش‌ها برخوردار شدند. به نظر می‌رسد، اعداد علاوه بر مفهوم شمارش، دارای مضامین دیگری باشند که برای اثبات این موضوع فاقد مستندات هستیم و برای پی ببردن به آن مستلزم شناخت رشته‌های دیگری از جمله جامعه شناسی، مردم شناسی، زبان شناسی، روان شناسی و .. هستیم. نقوش که همان زبان نوشتاریِ انسان‌های پیش ازتاریخ بودند بعد از زبان گفتاری به جود آمد. در اکثر مناطق فلات ایران سفال‌هایی کشف شدند که روی آن‌ها نقوشی از جمله چند خط یا دیگر نقوش حک شدند که حاکی از اعدادی برای جوامع بشری آن دوره هستند، هر چند برای اثبات این فاقد مستندات هستیم، شاید این‌ها نخستین منابع و مدارکی هستند که انسان‌های پیش از تاریخ از شمارش و اعداد استفاده نمودند. در تصویر ۱. یک خط ترسیم شده که نشانه دهندهٔ عدد یک است که در وسط دو تا تصویر بالا و پایین قرار گرفته است.



تصویر۱. افق شفالی چشمه علی در تپه چشمه علی مآخذ: (طلایی، ۱۳۹۳: ۳۴۶).

حضور در ادبیات شفاهی

پس از پیشرفت زبان نوشتاری و با گذر زمان پژوهش‌هایی در مورد فرهنگ و ادبیات عامیانهٔ جوامع بشری انجام گرفت و دریافتند که اعداد در میان جوامعی که هنرهای آن‌ها غنی‌تر و پیشرفته‌تر شده بود نه تنها معنای شمارش دارند؛ بلکه چیزی فراتر از معنی شمارش است؛ یعنی معنای نمادینی دارند. در ادبیات شفاهی، وقتی صحبت از یک می‌شود مظهرِ و نمادی برای آغاز کردن کاری، وحدت و انحصار است؛ همچنین تداعی کنندهٔ واحد بودن در اندیشهٔههای انسان است. در ادبیات عامیانه، یک، عددی مقدس به شمار می‌آید، چون مظهری برای وحدانیت الله متعالی است. با توجه به پژوهش پژوهشگران در خصوص عدد یک در فرهنگ و ادبیات شفاهی، محققان دریافتند که عدد یک در نزد ملت ایرانی از جایگاه والایی برخوردار است، به گونه‌ایی که در اساطیر ایران روز اول هر ماه را اهورامزدا می‌نامند و از آنجایی که اهورمزدا خدای سرزمین ایرانیان بود؛ بنابراین یک از قداست خاصی برخوردار است و در باور مردمان شکل و تلفظ عدد یک که به صورت خطی راست از بالا به پایین کشیده شده است تداعی کنندهٔ نام الله متعالی است. (نورآقایی، ۱۳۸۸: ۳۰)غ همچین ادبیات شفاهی ضرب المثل‌هایی که از دوران گذشته تا به امروزه سینه به سینه نقل شده است را در بر می گیرد.

ضرب المثل: زن یکی خدا هم یکی.

شانس یک بار در خونهٔ آدم و میزنه.

حضور در ادبیات مکتوب

با گذر زمان، زبان نوشتاری مسیر پیشرفته‌تری را طی نمود و شاعران و نویسندگان از اعداد در متون ادبیِ خود از جمله در اشعار، جملات کوتاه و روایات داستانی استفاده نمودند.

روزه یک سو شد و عید آمد دلها برخاست می زخمخانه به جوش آمد و می باید خواست
نوبت زهد فروشان گرانجان بگذشت وقت رندی طرب کردن رندان پیداست.

(حافظ، ۱۳۸۸: ۲۰).

هزار نقش برآید ز کلک صنع و یکی به دلپذیری نقش نار ما نرسد
هزار نقد به بازار کائنات آرند یکی به سکه صاحب عیار ما نرسد

(همان: ۱۵۶).

عدد دو

حضور در سفال پیش از تاریخ



تصویر ۲. افق شوش قدیم در تپه بندبال مآخذ: (طلایی، ۱۳۹۳: ۲۹۶).

حضور در ادبیات شفاهی

پس از عدد یک، دو است، در فرهنگ عامیانه و ادبیات شفاهی نماد خیر و شر است و در تقابل با وحدانیت قرار گرفته است. شمیسا بیان می‌دارد « دو رمز تعارض تعارض یا آرامش موقت نیروهاست و نیز نشانهٔ گذشت زمان است در تمام آیین‌های سری، دو شوم قلمداد شده است. این عدد دلالت بر سایه دارد و نیز نشانگر جنسی بودن، اتصال بین مرگ و بی مرگی و تغییر و ثبات است و دو، با مادر عظمی نیز مروبط است. دو همچنین می‌تواند رمز اشتقاق و ثنویت باشد. سیرن‌ها یعنی زنان افسونگری که نیمی پرنده و نیمی انسان یا نیمی ماهی و نیمی انسان بودند در برخی تصاویر دو دم دارند». (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۵۳).

در ضرب المثل: آدم عاقل از یک سوراخ دوبار گزیده نمیشه.

حضور در ادبیات مکتوب

زبسکه نقش دو روی تو در دو چشم منست — همی سر رشک منقش کند ز دیده بدر
طلب کنم شکن زلف تو ز دیدهٔ خویش — از آنجهت که بدریا درون بود عنبر

(ازرقی، ۱۳۳۶: ۲۱).

گویی دو چشم جادوی عابد فریب او — بر چشم من به سحر ببستند خواب را
اول نظر دستم برفت عنان عقل — وان را که عقل رفت چه داند صواب را

(سعدی، ۱۳۴۲: ۸).

عدد سه

حضور در سفال پیش از تاریخ



تصویر۳. افق سفالی شوش جدید مآخذ: (طلایی، ۱۳۹۳: ۲۹۸).

حضور در ادبیات شفاهی

در ادبیات شفاهی و فرهنگ عامیانهٔ ایرانیان، عدد سه، مقدس و نماد فال نیک و خیر است. نخستین عددی که بعد ازدو به آن اصطلاح همه اطلاق شد عدد سه است. به عقیدهٔ نیاکان، نماد روح و جان و بدنِ انسان، تولد و زندگی و مرگ، شروع و میانه و پایان، گذشته، حال و آینده است (ذبیح نیاعمران و قیومی زاده، ۱۳۹۶: ۲۹). کاسیرر معتقد است « سه پایهٔ طبیعی پدر، مادرو فرزند هنوز هم به آسانی در بطن سه گانهٔ انگارشی خدا، پسر و روح القدوس قابل تشخیص است»؛ یعنی در دین مسیحی مظهر روشنایی و یکانگی و نماد تثلیث، پدر مقدس، پسر و روح المقدس است و همچنین بیان می‌دارد که اوزنر بر این باور است که منشأ مقدس بودنِ عدد سه از همان دورهٔ پیش از تاریخ که اولین تمدن و فرهنگ بوده قابل تشخیص است چرا که سه آخرین شمارش اعداد بوده است و از این روی نماد کامل بودن و مطلق است همچنین در فرهنگ ایرانی مظهری برای سه جنس مذکر، مؤنث و خنثی است. (کاسیرر، ۱۳۸۷: ۲۴۰- ۲۴۱).

ضرب المثل: تا سه نشه بازی نشه.

یکی بود دوتا شد ناشکری کردم سه تا شد.

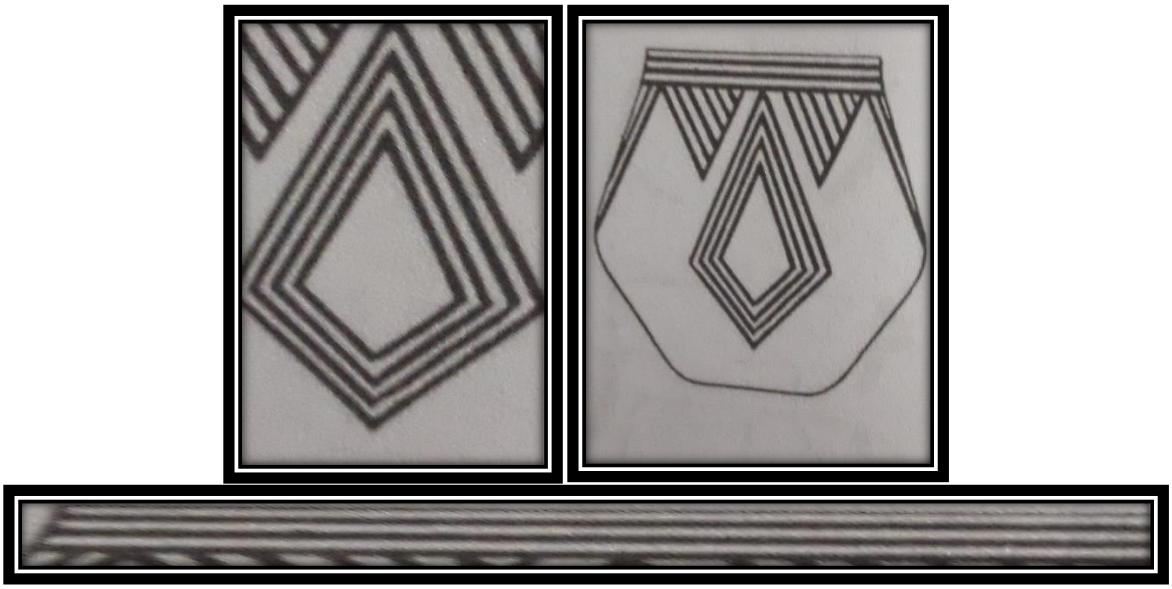
حضور در ادبیات مکتوب

کسی که قیمت ایام وصال نشناسد — بباید دو سه روزی مفارقت کردن
اگر سری برود بی گناه در پایی — به خرده‌ایی ز بزرگان نشاید آزردن
(سعدی، ۱۳۴۲: ۳۷۶).

یکی دو سه روز نوبت عمر گذشت — چون آب به جویبارو چون باد به دشت
هرگز غم دو رزو مرا یاد نگشت — روزی که نیامده ست و روزی که گذشت
(خیام، ۱۳۷۲: ۷۵).

عدد چهار

حضور در سفال پیش از تاریخ



تصویر۴. افق سفالی اهرنجان در حاجی فیروز مآخذ: (طلایی، ۱۳۹۳: ۳۱۷).

حضور در ادبیات شفاهی

در ادبیات عامیانه و تمدن ایرانی عدد چهار را نماد استحکام و مشهود و ادراک پذیر می‌دانند. (شوالیه و گربران، ۱۳۷۸: ۵۵۱). چهار، عدد شمارشیِ کامل‌کننده است و چهار با چهار مظهر فراوانی و سرشار است. (آقاشریف، ۱۳۸۳: ۱۰۶). چهار را نماد بی همتا بودن، کثرت، فاتح و کلیت می‌دانند و به نظر می‌رسد دلیلِ این که همهٔ ملت‌ها، پادشاهان سرزمین‌شان را مالک چهار خورشید، چهار دریا و چهار کرانهٔ این عالم می‌خواندند بر اساس همین باور است؛ این به معنای تسلط و قدرت آن‌پادشاهان بر گسترهٔ عظیمی از جهان و تسلط آن‌ها بر مردمان کشورشان است. (شوالیه و گربران: ۵۵۱). در فرهنگ عامیانهٔ ایرانیان، مردم با توجه بر نقل قول‌های نیاکان خود بر این عقیده هستند که عدد چهار « متداعی با دایره، چرخهٔ زندگی، چهار فصل، اصل مادینه، طبیعت و چهار عنصر: زمین، آب، آتش، و هوا است » (گرین، ۱۳۷۶: ۱۶۲). عدد چهار مرسوم‌ترین عدد شمارشی در نقش‌های حک شده بر روی آثار باستانی از دورهٔ پیش از تاریخ تاریخ است، با گذر زمان در دوره تاریخی با توجه به کتاب اوستا، دورهٔ خلقت را به‌چهار دوره تقسیم کردند که هر دوره، سه هزار سال طول کشیده است و خود این کتاب نیز متشکل از چهار بخش است که جوامع را به چهار دسته: کهّان، رزمندگان، کشاورزان و صنعتگران طبقه بندی نموده است. (سلیم الحوت، ۲۰۰۴: ۹۷).

ضرب المثل: چیزی که سه نشه به چهار هم نمیشه.

چهار چشمی داره نگاه می کنه.

حضور در ادبیات مکتوب

تا چهارم کشور از خعرات تو معمور شد
اختیار جملهٔ عالم چهار کشور است

آنچه در مرو نیشابور از عمارت کرده‌ایی
بر زبان خلق شیر و شرح آن تا محشر است

(امیر معزی، ۱۳۱۸: ۱۰۲).

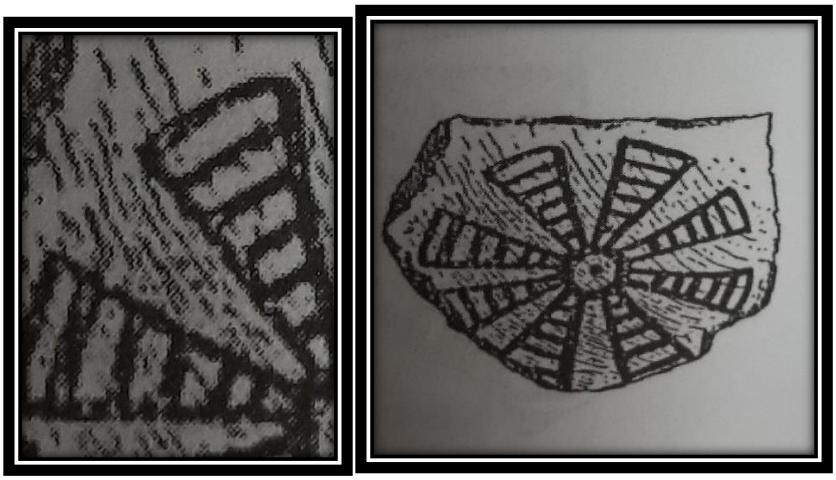
بخت و رای و زور و زر بودم دریغ
کاندر این غم هرچهار از دست برفت

عشق و سودا و هوس در سر بماند
صبر و آرام و قرار از دست رفت

(سعدی، ۱۳۴۲: ۱۰۷).

عدد پنج

حضور در سفال پیش از تاریخ



تصویر ۵. شوش جدید در تپه موسیان دهلران مآخذ: (طلایی، ۱۳۹۳: ۳۰۷)

حضور در ادبیات شفاهی

عدد پنج « علامت وصلت است و فیثاغورثیان آن را عدد نکاح خوانده‌اند. در ضمن پنج، عدد مرکز، هماهنگی و توازن است» (شوالیه، ۱۳۷۸: ۲۴۷). در اسلام نیز عدد شمارشی پنج، دارای تقدس و مضامین معنوی است و به پنج نورِ آفریده شدهٔ قبل از اولین انسان اشاره دارد. درفرهنگ ایرانی – اسلامی، مظهر و نمادی برای نمازهای پنج گانه، پنج تن آل عباس، ستارهٔ پنج پر، خمس اموال، پنج کلید قرآن مجید در راز عرفان و پنج انگشت دست حضرت فاطمه است و این‌ها حاکی از تقدس عدد پنج در ادبیات شفاهی و فرهنگ عامیانه است (همان : ۲۵۲). بعضی فلاسفه بر این باور هستند عدد پنج در فرهنگ و تمدن‌ها از اعداد شمارشی خاصِ جوامع بشری است به گونه‌ایی که معتقد به «قدمای خمسه»: الله متعالی، هیولی، مکان و زمان و هیولی هستند. (همان: ۲۶۰).

ضرب المثل: این پنج انگشت آدم مثل هم نیست.

پنج انگشت برادرند، برابر نیستند.

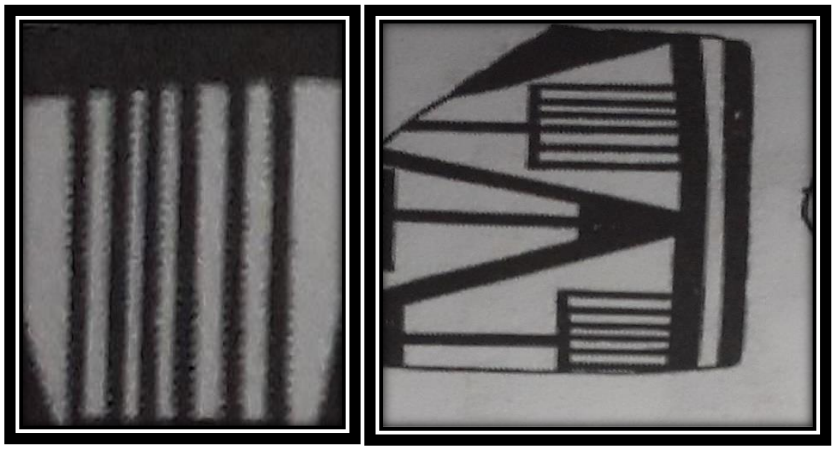
حضور در ادبیات مکتوب

با دعا و با تضرع دستها برداشتند — پنج حاجت خواستند از پرودگار ذوالجلال
نصره دین و دوام دولت و امن جهان — صحت نفس و بقای مهتر نیکو حصال
(ازرقی، ۱۳۳۶: ۴۷).

بر پنج روز نیکویی چندین مناز و بد مکن — تا چشم را بر هم زنی بینی که پایان در رسد
گر خسروا می سوزدت از خامیش رنجه مشو — بسیار باید تا هنوز آن شوخ نادان در رسد
(امیر خسرو دهلوی، ۱۳۶۱: ۱۹۰).

عدد شش

حضور در سفال پیش از تاریخ



تصویر۶. افق سفالی منقوش در تل ابلیس مآخذ: (طلایی، ۱۳۹۳: ۳۳۰).

حضور در ادبیات شفاهی

عدد شش خردترین عدد شمارشی جامع، تساوی و ثبوت، تناسب و توازن، پدیدآورندۀ اغلب اعداد شمارشی قطبین، خنثی، دو جنس، دو مثلثِ در هم تنیده، مثلث رو به بالا نماد مرد، مثلث رو به پایین نماد زن، دریا، خشکی، جهنم و بهشت، مظهر عشق، بخت و اقبال، شانس در بازی انداختن تاس، ستارۀ داوود، ضامن سلیمان است. (حیدری، ۱۳۹۲: ۷۵). شش حاکی از تعادل و تقارن است و به عنوان یک نماد معنوی و عرفانی شناخته شده است. در دستگاه اعداد ده تایی، عدد کاملی به شمار می‌آید، حتی در افسانه‌ها و روایاتِ پریان عدد شمارشیِ شش، نماینگر فیزیکِ انسان، بدون بخش نهایی است و بدون آن چه باعث می‌شود با خدا تماس داشته باشد. (نور آقای، ۱۳۸۸: ۷۴). شش مظهر عالم دنیوی یعنی چهار جهت اصلی به علاوه بالا و پایین و تداعی کنندۀ حس ششم در ذهنیت انسان‌هاست. (حیدری: ۷۵). در اسلام و قرآن شش عدد آسمان است و یادآور خلقت ارض و سماء در شش روز است؛ یعنی مظهر آفرینش و زیبایی است. (نور آقایی: ۷۴). ضرب المثل: شش ماهه به دنیا آمده.

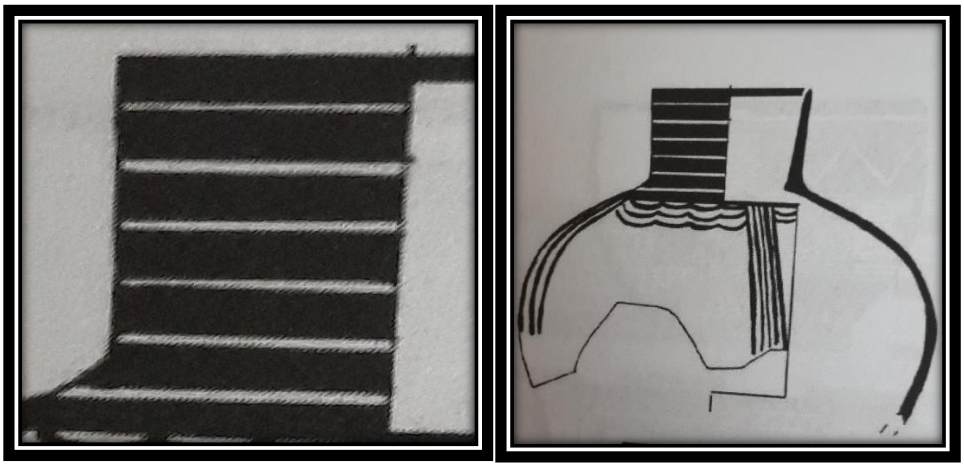
حضور در ادبیات مکتوب

ای آمده از عالم روحانی تفت — حیران شده در پنج و چهار و شش و هفت
می نوشی ندانی از کجا آمده ایی — خوش باش ندانی به کجا خواهی رفت
(خیام ۱۳۷۲: ۷۳).

فریاد که از شش جهتم را ببستند — آن خال و خط و زلف و رخ و عارض و قامت
(حافظ، ۱۳۸۸: ۸۹).

عدد هفت

حضور در سفال پیش از تاریخ



تصویر۷.افق سفالی شوش جدید در تپهٔ جعفرآباد مآخذ: (طلایی، ۱۳۹۳: ۲۹۹).

حضور در ادبیات شفاهی

در فرهنگ عامیانه و ادبیات شفاهی ایران، عدد هفت مرتبط با ستاره شناسی است چرا که تولد هر شخصی در هر روزی از هفته و در هر ماهی با ستاره‌های آسمانی مدر ارتباط است، در تمام طول سال در آسمان، هفت ستارهٔ دب اکبر و خوشهٔ پروین قابل رؤیت است (هینلز، ۱۳۸۲: ۴۹۸). عدد شمارشی هفت از اداور قدیم تا به امروزه بسیار مورد توجه فرهنگ و تمدن ایرانی بوده و نماد کلیت، آسایش، متحد بودن، اعتماد، پابرجا بودن، سرشار، اعتماد، و جهان کبیر است. از این جهت اهمیت به سزایی دارد. در تفکرات و بینش‌های اسلامی، اولین عدد جامع و تام هفت است؛ همچنین نشانه و مظهر هفت بار طواف خانهٔ خدا و هفت بار سعی صفا و مروه و نماینگر الله متعالی است و در افسانه‌ها و اساطیر ایران یادآورعجایب هفت‌گانه، آسمان‌های هفت‌گانه، اژدهای هفت سر، هفت فلز کیمیاگری است. (حیدری، ۱۳۹۲: ۷۶).

ضرب المثل: تو هفت آسمون یه ستار نداره.

یه صناری به هفت گوشهٔ دلش بنده.

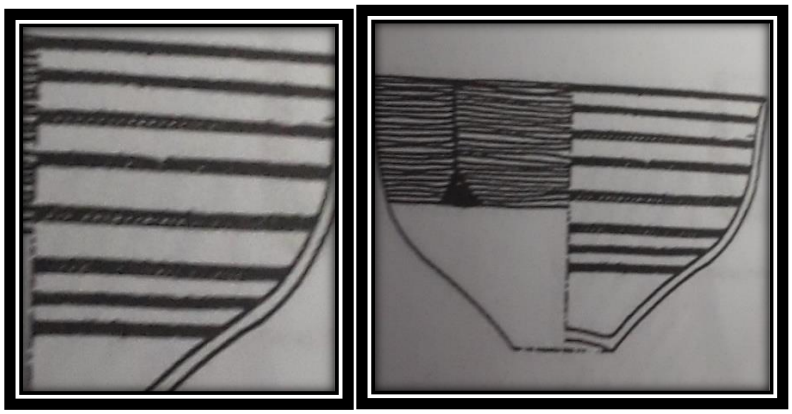
حضور در ادبیات مکتوب.

تا پادشه روی زمین باشد سنجر — بر هفت فلک فخر بود روی زمین را
شاهی که به ماهی به سپاهی بگشاید — صد شهر گرانمایه و صد حصن حصین را
(امیر معزی، ۱۳۱۸: ۶).

هفت کشور نمی‌کنند امروز — بی مقالات سعدی انجمنی
از دو بیرون نه یا دلت سنگینست — یا به گوشت نمی‌رسد سخنی
(سعدی، ۱۳۴۲: ۴۹۷).

عدد هشت

حضور در سفال پیش از تاریخ



تصویر ۸. ظرف سفالی افق زاغه در تپه سیلک کاشان. مآخذ: (طلایی، ۱۳۹۳: ۳۴۲).

حضور در ادبیات شفاهی

هشت در فرهنگ ایرانی – اسلامی و اسطورها، نمادی برای الله متعالی و در تقابل با انسان، مظهری برای رسیدن به روح القدوسی است؛ یعنی الله متعالی با قرار دادن صفات الهی درون روح انسان، انسان‌ها را برای شناخت و رسیدن به خود راهنمایی می‌کند تا با آن نشان‌ها به شناخت و معرفت الهی برسند و این فرایند در علم و اندیشه و بینش طی می‌شود و به نظر می‌رسد اعداد شمارشی نشانه‌ایی برای طی کردن مسیر انسان به سمت راهِ شناخت الله است. (خانجانی، ۱۳۷۱: ۱۰). عدد هشت نمادِ هشت درِ بهشت است جایی که عاری از هر گونه مادیات و مکانی مقدس و روحانی است؛ همچنین تداعی کنندهٔ هفت آسمان است روح انسان که هفت آسمان را طی می‌کند و بعد از آسمان هفتم، درِ بهشت برای ارواح مقدس باز می‌شود، حتی عدد هشت در معماری اسلامی بسیار حائز اهمیت است و تداعی کنندهٔ نگهبانان عرش الهی‌اند که شامل هشت ملائکه هستند. (نورآقایی، ۱۳۸۸: ۸۳).

همیشه هشتش گرو نهشه.

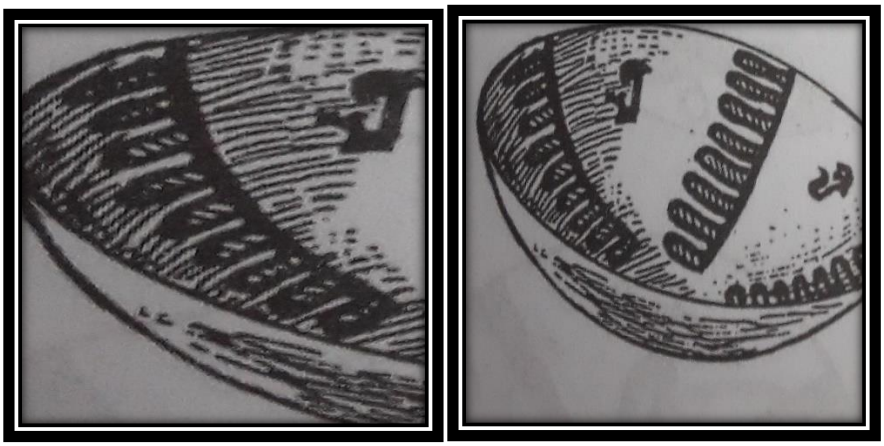
حضور در ادبیات

با توام یک نفس از هشت بهشت اولیتر — من که امروز چنینم غم فردا دارم
سعدی خویشتنم خوان که به معنی زتوام — که به صورت نسب از آدم و حوا دارم
(سعدی، ۱۳۴۲: ۳۰۹).

گدای کوی تو از هشت خلد مستغنیست — اسیر عشق تو از هر دو عالم آزادست
اگرچه مستی عشقم خراب کرد ولی — اساس هستی من زان خراب آبادست
(حافظ، ۱۳۸۸: ۳۵).

عدد نه

حضور در سفال پیش از تاریخ



تصویر۹. گونه ظرف سفالین افق چشمه علی در قره تپه شهریار مآخذ: (طلایی، ۱۳۹۳: ۳۵۴).

حضور در ادبیات شفاهی

عدد شمارشی نه تداعی کنندهٔ محیط است و بر همین اساس و بنیاد، محیط درونی را به ۹۰ و ۳۶۰درجه تقسیم نمودند. در دوران پیش از تاریخ، نخستین جوامع بشری که با شمارش اعداد آشنا شده بودند، عدد نه دورهٔ جدیدی بعد از مرحلهٔ هشت به شمار می‌آمد در فرهنگ ایرانی اسلامی یکی از اعداد مقدس و نماد هفتِ سیارهٔ آسمانی که قابل مشاهده هستند به علاوه عرش الهی و رکن الهی که غیر مشهودند، است. (نورآقایی، ۱۳۸۸: ۸۷).

ضرب المثل: یه نَه بگو نُه ما سر دل نگیر.

گاو و نه من شیر است.

حضور در ادبیات مکتوب

ای بیخبران شکل مجسم هیچ است — وین طالرم نه سپهر ارقم هیچ است

خوش باش که در نشیمن کون و فساد — وابستهٔ یک دمیم و آن هم هیچ است

(خیام، ۱۳۷۱: ۹۶).

۴. نتیجه گیری

در این جستار به حضور اعداد در سفال‌های پیش از تاریخ ایران و بازتاب آن در ادبیات شفاهی و مکتوب پرداخته شد که اهمیت اعداد، در گذر زمان را نشان می‌دهد. نخستین انسان‌های پیش از تاریخ ادر آغاز از زبان گفتاری برای بیان بینش‌ها و افکار خود بهره می‌بردند، در مرحلهٔ بعد، برای انتقال ذهنیات و تفکرات خود به نسل‌هایِ بعدِ از خود، از تصاویر بر روی آثار دورهٔ خود استفاده کردند که یکی از این آثار دورهٔ پیش از تاریخ، سفال بود، از آنجا که سطح سفال صاف و در دسترس‌ترین و فراوان‌ترین آثارِ نخستین جوامع بشری بود، اندیشه‌های خود را به صورت نقوش بر روی آن‌ها به تصویر در می‌آوردند؛ یکی از این تصاویر، اعداد بود. در مرحله نخست اعداد به صورت تصویر خطی، هندسی، حیوانی و... بود با گذر زمان؛ یعنی با اختراع خط اعداد در ادبیات شفاهی یا عامیانه و مکتوب رسوخ پیدا کرد. اعداد شمارشی در ادبیات شفاهیِ مردمانِ سرزمین ایران در ضرب المثل‌ها، اساطیر و افسانه ها، نمادی برای باورها و عقاید مردمان سرزمین ایران شد، بعد نویسندگان، شاعران و سخنوران در اغلب اشعارخود، روایات مختصر، جملات کوتاه، اعداد را هم در معنای شمارش هم در معنای نمادینی استفاده نمودند؛ بنابراین اعداد در طول سالیان متمادی اهمیت و جایگاه بسزایی در میان جوامع بشری از دورهٔ پیش ار تاریخ تا امروز داشته است و جایگاه خود را در هیچ مراحل زمانی از دست نداده است.

منابع

۱. آقا شریف، احمد؛ (۱۳۸۳)، **اسرار و رموز اعداد و حروف**.،چاپ اول، تهران: سعید محبی.

۲. ازرقی هروی، شرف الزمان ابوالمحاسن؛ (۱۳۳۶)، **دیوان کامل ازرقی هروی**، با تصحیح و مقابله و مقدمهٔ سعید نفیسی، تهران: شاه آباد.

۳. انجوی شیرازی، ابوالقاسم؛ (۱۳۷۱)، **گذری در فرهنگ مردم**، تهران: انتشارات امیر کبیر.

۴. حافظ، شمس الدین محمد؛ (۱۳۸۸)، **دیوان حافظ**، به کوشش ناهید فرشادمهر، چاپ هشتم، تهران: انتشارات گنجینه.

۵. حیدری، اصغر؛ (۱۳۹۲)، **شناخت روحیات ملل**، تهران: مهکامه.

۶. خانجانی، علی اکبر؛ (۱۳۷۱)، **مبانی ریاضیات عرفانی**، تهران: نشر افکار.

۷. دهلوی، امیرخسرو؛ (۱۳۶۱)، **دیوان کامل امیر خسرو دهلوی**، با همت و کوشش م. درویش، تهران: جاویدان.

۸. سعدی، مصلح الدین؛ (۱۳۴۲)، **غزلیات سعدی**، با استفاده از نسخهٔ تصحیح شده محمد علی فروغیی، تهران: اتشارات شرکت نسب حاج محمد حسین اقبال و شرکا.

۹. سلامی، عبدالنبی؛ (۱۳۸۱)، **فرهنگ و گویش روانی**، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

۱۰. سلیم الحوت، محمود؛ (۲۰۰۴)، **فی الطریق المیثولوجیا عندالعرب**، لبنان: دارالنهارالنشر.

۱۱. شمیسا، سیروس؛ (۱۳۸۳)، **داستان یک روح**، تهران: انتشارات فردوس.

۱۲. شوالیه، ژان و آلن گربران؛ (۱۳۷۸)، **فرهنگ نمادها**، ترجمهٔ سودابه فضائلی. ج اول و دوم، تهران: جیحون.

۱۳. طلایی، حسن؛ (۱۳۹۳)، **هشت هزار سال سفال**، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها(سمت).

۱۴. علوی، فریده و رضا علی اکبرپور؛ (۱۳۹۰)، «**از اسطوره تا ادبیات منطق داستان در گذار از باورهای شفاهی به متون ادبی مکتوب**». مجلهٔ ادبیات تطبیقی۲/۲. پیاپی۴. صص ۹-۲۸.

۱۵. قنواتی، محمد جعفر؛ (۱۳۸۴)، «**تعریف فرهنگ عامه یا تعیین موضوعات آن**»، مجلهٔ کتاب ماه کودک و نوجوان، صص۱۰۲ – ۱۰۸.

۱۶. کاسیرر، ارنست؛ (۱۳۸۷)، **زبان و اسطوره**، ترجمهٔ محسن ثلاثی، تهران: مروارید.

۱۷. گرین، ویلفرو آل؛ (۱۳۷۶)، **مبانی نقد ادبی**، ترجمهٔ فرزانه طاهری، چاپ اول. تهران: نیلوفر.

۱۸. لوی، تونی؛ (۱۳۷۳)، «**منشأ اعداد**». ترجمهٔ سیامک کاظمی، مجلهٔ پیام یونسکو، شماره ۲۸۲. صص ۵-۹.

۱۹. معزی ، امیر الشعرا؛ (۱۳۱۸)، **دیوان امیرالشعرا محمد بن عبدالملک نیشابوری**، .به سعی و اهتمام عباس اقبال، تهران: فرهنگستان.

۲۰. منظوری حقیقی، علی؛ (۱۳۷۲)، **رباعیات خیام**، با مقدمه و حواشی به اهتمام محمد علی فروغی، تهران: عارف.

۲۱. نور آقایی، آرش؛ (۱۳۸۸)، **عددنماد اسطوره**، تهران: نقد افکار.

۲۲. هینلز، جان؛ (۱۳۸۲)، **شناخت اساطیر ایرا**، ترجمهٔ ژاله آموزگار، تهران: نشر افکار.

Crawley, Edwin Schofield. the Origin and Development of Number Symbolism. in Popular Science Monthly, vol. 51, August 1897. pp. 524-534

Huet-Brichard, Marie-Catherine. Littérature et mythe. Paris: Hachette, 2001. Jolles, André. Formes simples. Paris: Seuil,1972.